

Original Paper

Examining the place of advice and advice in the allegory of "Dung and Chicken" Sanai Ghaznavi

Sohrab Saeidi^{1*}, Farhad Barati², Omid Roosta³

Abstract

Sana'i is one of the Sufi poets who, through the use of allegory, presents profound Sufi themes in a simple and eloquent language. In fact, allegory is one of the important literary genres that Sufi poets have shown a particular affinity for. The value and capabilities of allegory lie in the expression of one or more Sufi or ethical concepts. Sana'i often conveys allegorical discussions through various tales and allegories, and it is this importance and capability of allegory that allows it to encompass the expression of one or more sublime and Sufi or ethical concepts, which is why poets have cast them in the form of a mathnawi (a rhymed couplet poem). The allegory of the Geber and the bird is one of the tales in which Sana'i, in addition to storytelling, also focuses on ethical and educational concepts.

The garden of Sanayi is recognized as the first mystical didactic poem that contains numerous allegories replete with moral lessons and advice. It is better to find a way into the heart of the beloved through any means, and this is why our mystic poets have cleverly utilized allegory to gain access to the hearts of their audience and approach their educational objectives. Fundamentally, the human nature has an inherent affinity and compatibility with allegory and storytelling. The purpose of this research is to employ a descriptive-analytical method and library-based data collection to elucidate the allegorical bird and fowler of Sanayi, and to expound on their guiding and instructive role in this tale from the Hadiqah.

Keywords: Allegory, Hadiqat al-Haqiqah, Sufi concepts, Sana'i, Education and training.

1- PhD student in Persian Language and Literature, Salman Farsi University, Kazerun, Iran. sohrab_minab@yahoo.com

2- Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Salman Farsi University, Kazerun, Iran

3-PhD in Persian Language and Literature, Independent Researcher.

Please cite this article as (APA): Saeidi, Sohrab, Barati, Farhad, Roosta, Omid, (2025). Examining the place of advice and advice in the allegory of "Dung and Chicken" Sanai Ghaznavi. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 17(63), 79-100.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 63/ Spring 2025

Receive Date: 20-01-2025

Accept Date: 30-03-2025

First Publish Date: 10-05-2025

مقاله پژوهشی بررسی جایگاه پند و نصیحت در تمثیل «گبر و مرغ» سنایی

غزنوی

سهراب سعیدی^۱، فرهاد براتی^۲، امید روستا^۳

چکیده:

سنایی یکی از شاعران عارف است که با بهره‌گیری از تمثیل، مضامین سنگین عرفانی را با زبانی ساده و گویا به مخاطبان‌اش ارائه می‌دهد، در واقع تمثیل یکی از گونه‌های مهم ادبی است که شاعران عارف بدان رغبت ویژه نشان داده‌اند. ارزش و قابلیت‌های تمثیل در بیان یک یا چند مفهوم عرفانی یا اخلاقی است، سنایی گاه مباحث تمثیلی را از خلال حکایت‌ها و تمثیل‌های گوناگون بیان می‌کند و این اهمیت و قابلیت تمثیل است که برای بیان یک یا چند مفهوم عالی و عرفانی یا اخلاقی گنجایش دارد و به همین علت شاعران آن را در قالب مثنوی درآورده‌اند، در این راستا تمثیل گبر و مرغ یکی از حکایت‌هایی است که سنایی در آن علاوه بر قصه و داستان‌پردازی مفاهیم اخلاقی و تربیتی را نیز مدنظر دارد، در واقع حقیقه سنایی به‌عنوان اولین منظومه تعلیمی عرفانی شناخته می‌شود که تمثیل‌های فراوانی پر از نکته و پند و نصیحت دارد و چه بهتر که در دل دوست به هر حيله رهی کنیم از این روست که شاعران عارف ما با بهره‌گیری هوشمندانه از تمثیل به نوعی خواسته‌اند در دل مخاطبان خود جای بازکرده و به اهداف تربیتی خود نزدیک شوند، اصولاً، طبع آدمی با تمثیل و قصه‌پردازی موافقت و سازگاری فطری و ذاتی دارد. اما این پژوهش آن است که با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای به تبیین تمثیل «گبر و مرغ» سنایی و بیان نقش هدایتگری و ارشادی آن در این حکایت از حقیقه می‌پردازد.

کلمات کلیدی: تمثیل، حقیقه الحقیقه، مفاهیم عرفانی، سنایی، پند و نصیحت

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سلمان فارسی، کازرون، ایران. sohrab_minab@yahoo.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سلمان فارسی، کازرون، ایران

۳- دکترای زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگر آزاد.

لطفاً به این مقاله استناد کنید: سعیدی، سهراب، براتی، فرهاد، روستا، امید (۲۰۲۵). بررسی جایگاه پند و نصیحت در تمثیل «گبر و مرغ» سنایی غزنوی. <i>تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی</i>. (۶۳) ۱۷، ۷۹-۱۰۰.		
 حق مؤلف © نویسندگان.		
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت و سوم / بهار ۱۴۰۴ / از صفحه ۷۹-۱۰۰.		
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰	تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

۱- مقدمه

شاعران ناصح برای برقرای موثر با مخاطبان خود و به بار نشستن نکته‌هایی که مد نظر داشته‌اند به دنبال ارتباط و ایجاد التذاذ در مخاطب بوده‌اند، یکی از شیوه‌های جذاب که هم اینک نیز مخاطبان زیادی دارد قصه‌پردازی است که با روح انسان‌ها آشنایی دیرینه دارد به دیگر سخن حکایت‌پردازی چه نظم باشد و چه نثر در دل مخاطب جلوه‌ای ویژه دارد. سنایی غزنوی از شاعران حرفه‌ای و کار بلد است که با استفاده از تمثیل در پی رخنه کردن در دل و جان مخاطب است و با مهارتی که در این خصوص دارد در کارش موفق بوده است.

تمثیل یکی از گونه‌های مهم و پر تأثیر ادبی است که شاعران عارف و خردمندان شاعر از آن در جهت مقاصد خود که به نوعی خیرخواهی جوامع بشری است استفاده‌ی وافی برده‌اند و سهم شاعران اندیشمندان ایرانی در این راستا قابل ذکر و شمارش است، در واقع تمثیل یکی از بهترین و اثربخش‌ترین روش‌ها برای ارشاد و القاء مفاهیم تربیتی و عقیدتی است و خداوند حکیم نیز در قرآن مجید، با علم بر ویژگی‌های روحی و اخلاقی انسان‌ها از تمثیل، برای تعلیم و ارشاد نسل بشر، بهره‌جسته است، از این رو ما را بر این داشت که به تفحص در داستان «گبر و مرغ» سنایی پردازیم و آن را از جنبه‌ی پند و نصیحت بررسی کنیم و در این راستا به منشاء این تمثیل و اشاراتی هم به همین تمثیل (مرغ و گبر) در مصیبت‌نامه عطار داریم.

باید اضافه کنیم که در باب تمثیل شاعران عارف به دلیل قابلیت‌ها و ارزش‌های نهفته در تمثیل، بدان روی آورده و موجب پیدایش و خلق آثار فراوانی در این خصوص شده‌اند و تمثیل در نظر شاعران چنان جایگاهی پیدا کرده است که بعضی از شاعران برای پیشبرد اهداف خود، از آن استفاده کرده‌اند. سنایی غزنوی یکی از شاعران پیشرو و استاد در این خصوص است که مخاطب از شنیدن تمثیل‌های او علاوه بر التذاذ روحی و ادبی به خردگرایی هم می‌رسد.

اما «حدیقه سنایی» به عنوان اولین منظومه تعلیمی عرفانی، تمثیل‌های فراوانی دارد که پر از نکته و پند و نصیحت است، چه بهتر که در دل دوست به هر حيله رهی کنیم از این روست که شاعران ما با بهره‌گیری هوشمندانه از تمثیل به نوعی خواسته‌اند در دل مخاطبان خود جای باز کرده و به اهداف تربیتی خود نزدیک شوند، اصولاً، طبع آدمی با تمثیل و قصه‌پردازی موافقت و سازگاری فطری و ذاتی دارد. به همین مناسبت، یکی از شیوه‌های تعلیمی است، زیرا توسل به تمثیل‌های بجا و دلنشین از خشکی و ملال‌آوری سخن می‌کاهد و در نتیجه، در انتقال پیام به مخاطبان می‌تواند موثر باشد.

سنایی غزنوی به عنوان اولین شاعری که عرفان را وارد شعر فارسی کرد، در این راستا تعلیم ها و پند و نصایح او، روشی است که او در حدیقه دنبال می کند و حدیقه سنایی، یکی از مراجع ادبی تعلیمی اهداف و روش های تربیت عرفانی به شمار می آید. در این مقاله از میان کارکردهای ادبیات، نقش تعلیمی (پند و نصیحت) آن بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، این مقاله گزارش، تحلیل و بررسی یکی از تمثیل های (مرغ و گبر) سنایی در این خصوص است. برای نگارش این مقاله ابتدا به کتاب حدیقه مراجعه گردید و تمثیل «مرغ و گبر» بر روی فیش های تحقیق با ذکر شناسنامه و آدرس دقیق نوشته شد و سپس با بهره گیری از منابع و مآخذ مرتبط با موضوع تحقیق در جهت پر بار تر شدن مقاله مورد استفاده و خوشه چینی قرار گرفت و حاصل آن گزارشی شد که تا کنون به صورت مقاله یا کتاب، کسی بدان نپرداخته است.

۱-۱ بیان مسأله

خداوند در جای جای سوره ها از روش تمثیل و مثل برای تعلیم و ارشاد نسل بشر، بهره جسته است، تمثیل در بین عارفان نیز یکی از ابزارهای روایت است و جایگاهی والا دارد. سنایی غزنوی یکی از شاعران عارف واصل است که با بهره گیری از تمثیل برای بیان مسائل عرفانی و تربیتی پرداخته است. داستان مرغ گبر او یکی از حکایت های تمثیلی در این خصوص است، در واقع تمثیل یکی از گونه های ادبی است که سراینده به قصد آموزش و تعلیم، پند و نصیحت و آموزش نکته های اخلاقی را دنبال می کند که در نهایت هدف اصلی رسیدن انسان ها به مرتبه کمال است.

۲-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه تعلیم و تربیت رهروان طریقت در سرلوحه متون تمثیلی قرار دارد، مبانی و روش تربیت و تعلیم در آن ها دارای طرح هدفمندی است. از سویی، حدیقه سنایی نخستین اثر مفصل، منظوم و نظام مندی است که آموزه های تربیتی در آن بازتاب دارد از این رو نظر به جایگاه و منزلت ویژه ادب منظوم عرفانی و سابقه درخشان آثار عرفانی در تاریخ ادبیات میهن عزیزمان، همچنین شخصیت برجسته و ممتاز پیشگام و طلایه دار عرصه ادب و عرفان، (سنایی غزنوی -) که در پی خدمت به جامعه بشری برآمده است، ضرورت ایجاب می نمود بُعدی از ابعاد آثار مذکور که همانا وجود قابل ملاحظه تمثیل از دیدگاه پند و نصیحت می باشد مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد تا افق اندیشه آن شاعر بیشتر بررسی شود.

۳-۱- اهداف تحقیق

اهداف تحقیق، یادآوری ارزش و قابلیت تمثیل در بیان یک یا چند مفهوم عرفانی یا اخلاقی در حکایت «گبر و مرغ» سنایی از دیدگاه مفاهیم عرفانی و پند و نصیحت است. کاربرد تمثیل در زبان و ادب فارسی سابقه‌ای طولانی دارد و در تفهیم مفاهیم عقلی، ذهنی و انتزاعی به مخاطبان بسیار مؤثر و کارآمد است. بررسی ابعاد مختلف تمثیل گام مهمی در شناسایی آثار سنایی و بیان احوال و دریافت‌های عرفانی آن شاعر نامی است.

۴-۱- سؤالات تحقیق

- ۴-۱-۱- علت استفاده از تمثیل و مثل در متون عرفانی و ادبی چیست؟
- ۴-۱-۲- نتیجه‌ای که سنایی از تمثیل گبر و مرغ دارد، کدام است؟

۵-۱- پیشینه تحقیق

درباره تمثیل و تمثیل‌سازی عارفان در ادبیات فارسی، آثار بسیاری به صورت کتاب و مقاله وجود دارد که به تعدادی اشاره می‌شود اما در خصوص بررسی و تحلیل تمثیل «گبر و مرغ» سنایی تا کنون مقاله یا کتابی منتشر نشده است.

بابک شمشیری (۱۳۸۵) در کتاب تعلیم و تربیت عرفانی از منظر عشق و عرفان، رابطه تربیت عرفانی با تربیت دینی و اصول تربیت در آموزش و پرورش و نظریه‌های فلسفی تربیتی کلاسیک و مدرن را بررسی کرده است. دکتر محمود فتوحی (۱۳۸۴) مقاله‌ای «تمثیل (ماهیت، اقسام، کارکرد)» به بحث تمثیل و کارکرهای آن پرداخته است. مقاله «جنبه‌های تعلیمی حدیقه سنایی» (طغیانی و حیدری، ۱۳۹۱)، مفاهیم تعلیمی و اخلاقی را در حکایت‌ها و تمثیل‌های حدیقه بررسی کرده است. در مقاله «تعالیم اخلاقی در شعر سنایی» (حدیدی و ثنائی، ۱۳۹۲)، مسائل اخلاقی مختلف (نکوهش دنیا و آرزوهای دراز، مرگ‌اندیشی، قناعت، توبه و ...) در دیوان سنایی مطالعه شده است. درباره تعلیم و تربیت در آثار سنایی تحقیق‌های مختلفی انجام شده است که به اصول اخلاقی و دینی متمرکز بوده‌اند، مانند بخشی از کتاب جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران (مشرف، ۱۳۸۹) که به آموزه‌های تعلیمی سنایی اختصاص دارد. محسن اعلا (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «تمثیل در سبک هندی» به بررسی تمثیل در سبک هندی پرداخته است و تمثیل را یکی از مختصات برجسته در سبک هندی می‌داند که با نازک خیالی و باریک اندیشی موجب خلق مضامین تازه می‌شود و در مقاله خود به شاعران سبک

هندی اشاره‌ای می‌کند و مثال‌هایی از آن‌ها می‌آورد. دربارهٔ تعلیم و تربیت در آثار سنایی تحقیق‌های مختلفی انجام شده است که به اصول اخلاقی و دینی متمرکز بوده‌اند؛ مانند بخشی از کتاب جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران (مشرف، ۱۳۸۹) که به آموزه‌های تعلیمی سنایی اختصاص دارد. آذر زارعیان (۱۳۸۹) در پایان نامه «تلمیح و تمثیل در قصاید عرفی شیرازی» نمونه‌های تلمیح و تمثیل در اشعار عرفی شیرازی را ذکر کرده است. محمد میر و مهدی جوانبخت (۱۳۹۵) به بررسی ارسال‌المثل و تمثیل در اشعار کلیم کاشانی پرداخته‌اند. دربارهٔ تعلیم و تربیت عرفانی دو مقاله قابل توجه است: یکی مقاله «تأثیر عرفان و تصوف اسلامی بر تعلیم و تربیت ایرانی» (نوالی، بی‌تا) که اهداف تعلیم و تربیت عرفانی را توضیح داده و تأثیر مثبت آموزه‌های عرفانی در اندیشه و رفتار مردم را بیان کرده است. اما در خصوص تمثیل «گبر و مرغ» سنایی از دیدگاه پند و نصیحت هنوز مقاله یا کتاب مستقلی منتشر نشده است و این مقاله آغازگر این راه است.

۲- بحث اصلی و تحلیل

تمثیل به عنوان یکی از گونه‌های ادبی که با حکایت و روایت و قصه همراه است از ابتدای خلقت بشر به صورت شفاهی مورد استفاده قرار می‌گرفته است، در ادبیات فارسی و رسمی ایران، تا آنجا که اسناد موجود است، از زمان سنایی غزنوی این ژانر وارد ادبیات ما شده است که بیشتر برای تأثیر نهادن موارد تعلیم و تربیت و پند و نصیحت توسط مرشدان به مریدان و مردم اهل دل و عامه بوده است و در واقع تمثیل به عنوان یک قالب اساسی برای ادب تعلیمی کم و بیش در تمامی زبان‌ها کاربردها دارد.

«وقتی از تمثیل به عنوان قالب ادبی یاد می‌شود باید دانست که «این قالب بهترین وسیله برای تعلیم و ادب تعلیمی است. زیرا با ظاهری سرگرم‌کننده و جذاب و باطنی تأمل برانگیز که از ظاهر آن قابل تفسیر است، سبب سهولت یادگیری مفاهیم مشکل می‌شود. به عبارتی تمثیل فعالیت دوگانه ذهن است که از یک سو خواننده درگیر وقایع داستان می‌شود و از سوی دیگر باید بین مجموع داستان و یک ایده معنوی (فلسفی، عرفانی، مذهبی، سیاسی و ...) ارتباط برقرار کند. از این رو بسیار تأثیرگذار است» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۴).

بزرگان ادب ایران زمین و صاحب نظران هر کدام به گونه‌ای در خصوص تمثیل صحبت کرده‌اند، دهخدا تمثیل را از نظر لغوی بررسی می‌کند و می‌نویسد: «تمثیل در لغت به معنای «مثل آوردن»، «نگاشتن پیکر»، «تصویر کردن چیزی»، «عقوبت کردن»، «مثله کردن برای سیاست و تنبیه»،

«داستان، افسانه، کنایه، تقلید و درآوردن تشبیه» است (علی اکبر دهخدا، ۱۳۴۱: ۸۵۶)، دکتر معین تمثیل را: «مثال آوردن، تشبیه کردن، صورت چیزی را مصور کردن و داستان یا حدیثی را به عنوان مثال آوردن است» (معین، ۱۳۵۲، ذیل تمثیل). سیما داد می نویسد: «تمثیل در لغت به معنی مثال آوردن، تشبیه کردن، مانند کردن صورت چیزی را، مصور کردن، داستان یا حدیثی را به عنوان مثال بیان کردن، داستان آوردن است و در اصطلاح آن است که عبارت را در نظم و نثر به جمله‌ای که مثل یا شبه مثل و در برگیرنده مطلبی حکیمانه است بیارایند» (داد، ۱۳۸۷: ۸۷).

در تعریفی دیگر از تمثیل جلال همایی می نویسد: «تمثیل عبارت نظم یا نثر را به جمله‌ای که مثل یا شبه مثل و متضمن مطلبی حکیمانه است بیارایند و این صفت همه جا موجب آرایش و تقویت بنیة سخن می شود و گاه باشد که آوردن یک «مثل» در نظم یا نثر و خطابه و سخنرانی، اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد» (همایی، ۱۳۷۷: ۲۹۹). ابن اثیر در «الجامع الکبیر» تمثیل را این چنین معنی می کند: «تشبیهی است بر سبیل کنایه بدین گونه چون اراده اشارت به معنا کنی، الفاظی به کاربری که دلالت بر معنایی دیگر داشته باشند که مقصود تو است. مثل اینکه بگوییم: فلان نفی الثوب، یعنی فلان، پاکیزه است بدین قصد که از عیب مبرا است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۴۴).

بزرگان ادب پارسی و صرافان سخن داستان هایی را که از زبان حیوانات و غیر انسان است، امثال نامیده اند و گفته اند: «حکما، هنگامی که قصد تبلیغ و موعظه دارند آن را به طریق ضرب امثال بر زبان حیوانات و آنچه آن را نطق نیت می گویند، نظیر آنچه در کتاب کلیله و دمنه و مانند آن وجود دارد» (پور نامداریان، ۱۳۶۸: ۱۱۴).

تمثیل از مؤثرترین شکل های ادبی برای تبلیغ آموزه های دینی و اخلاقی بوده است. قدیمی ترین نمونه های تمثیل دینی را در تورات می توان یافت؛ همچنین امثال حضرت سلیمان (ع) شهرت داشته است. در کتاب تصویر بلاغت در تعریف تمثیل آمده است: «اصطلاح تمثیل، حوزه معنایی گسترده ای را دربرمی گیرد که از تشبیه مرکب، استعاره مرکب، استدلال، ضرب المثل و اسلوب معادله گرفته تا حکایت اخلاقی، قصه های حیوانات، قصه های رمزی و نیز معادل روایت داستانی در ادبیات فرنگی را شامل می شود» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۲۴۸).

تمثیل از رایج ترین شیوه های بسط اندیشه و تبیین هدف و مقصود غایی گوینده یا نویسنده است که با استفاده از این روش برای واضح نمودن موضوع، قانع کردن شنونده یا درک بهتر مفاهیم اخلاقی و عرفانی از یک یا چند مثال یا حکایت کوتاه بهره می گیرد. در واقع تمثیل، «بهترین شیوه فهمیدن و

فهماندن به خرد و کلان بوده و هست در تمثیل از الفاظ اندک معانی فراوان و از سخنان کوتاه، اندیشه های ژرف حاصل می شود، معانی و مضامین در قالب تمثیل بهتر و رساتر ادا می شود و زبان تمثیل از خشکی و تلخی پند و اندرز صریح می کاهد» (برادران، ۱۳۹۵: ۱۱۲). پورنامداریان در کتاب خود در مورد تمثیل می نویسد «هر حکایت تمثیلی دارای پیام و درسی اخلاقی و اجتماعی است که مقصود گوینده از آوردن آن حکایت، همان پیام و نتیجه است. ژان لافونتن که دارای تمثیل های منظوم معروف است نتیجه اخلاقی و نکته موجود در حکایات تمثیلی را «روح تمثیل» می نامد که ممکن است در آغاز یا پایان، به طور جداگانه یا ضمن حکایت بیان شود» (پورنامداریان، ۱۳۷۶: ۱۱۵) شمیسا هم تمثیل را حاصل یک ارتباط دوگانه بین مشبّه و مشبّه به می داند و می گوید: «در تمثیل هم اصل بر این است که فقط مشبّه به ذکر شود و از آن متوجّه مشبّه شویم، اما گاهی ممکن است مشبّه هم ذکر شود: مثلاً کسانی که فقط به دنیا چسبیده اند مثلاً کسانی که در رهگذار سیل خانه می سازند.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۷) جلیل تجلیل می نویسد: «در باب مثل و تمثیل می توان گفت گاهی مضمون یک حکایت، حالت تمثیل دارد، چنان که سعدی در گلستان و مولوی در مثنوی، نمونه های عالی آن را آورده اند» (تجلیل، ۱۳۶۵: ۶۹).

«ادبیات تعلیمی در ایران، محصول دوره ای از تاریخ ایران است که عموماً از آن با عنوان دوره پیشامدرن یاد می شود. عناصر تشکیل دهنده این دوره و شاخصه های حاکم بر آن را باید محصول تاریخ چند هزارساله دانست که با آمیخته شدن با فرهنگ اسلامی رنگ و بوی تازه ای یافت» (علی مددی، ۱۳۹۴: ۱۲۶). اما در تعریف شعر تعلیمی یلمه ها می نویسد: «شعر تعلیمی شعری است که هدف اصلی سراینده، آموزش حکمت و اخلاق، همچنین تشریح و تبیین مسائل و اندیشه های مذهبی، تربیتی، فلسفی و مضامین پندگونه باشد» (یلمه ها، ۱۳۹۰: ۱۵۳). اشعار تعلیمی تمثیلی یکی از زیباترین و عظیم ترین بخش آثار منظوم ادبیات فارسی را تشکیل می دهد، «ادب تعلیمی با ظهور عرفان در شعر فارسی گسترش فراوانی یافت، به گونه ای که کمتر منظومه عرفانی است که فاقد مضامین ادبی تعلیمی باشد. در حقیقت شعر عرفانی را نمی توان بدون در نظر گرفتن جنبه های تعلیمی آن بررسی کرد و آمیختگی این دو نوع به علت سرشت و هدفشان امری بدیهی است، شعر تعلیمی عرفانی بخش عظیمی از میراث ادب عرفانی ماست، که قصد نخستین شاعر در آن ها تعلیم همراه با لذت است» (صرفی و اسفندیاری، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

اما سنایی در زمره شاعران عارفی است که می توان وی را پرچمدار ادبیات تعلیمی عرفانی دانست. حقیقه الحقیقه از نخستین مثنوی های عرفانی است که سنایی آموزه های عرفانی را در آن مطرح کرده

است. «حدیقه سنایی به عنوان اولین منظومه عرفانی فارسی با هدف تعلیم مباحث عرفانی، دینی و اخلاقی سروده شده است» (فرخ‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۲). همچنین حدیقه یکی از آثار ادبیات تعلیمی صوفیانه در زبان فارسی است که شاعران بزرگی از جمله مولوی و عطار مثنوی‌های خود را به شیوه آن ساختند. «حدیقه منظومه‌ای است شامل ده هزار بیت در توحید و عرفان و اخلاق، و البته آن را اگر همه‌جا بتوان شعر خواند، از آن نوع شعر باید خواند که شعر تعلیمی نام نهاده‌اند و مثل هر شعر تعلیمی هدف معین دارد که در اینجا تعلیم مقاصد صوفیانه است» (فتوحی و محمدخانی، ۱۳۸۵: ۳۳).

سنایی در جای جای «حدیقه» سعی دارد مخاطب خود را تعلیم و تربیت دهد و در واقع تربیت «سفری است در راستای آگاهی و شناخت. سفری که از درون انسان آغاز شده، به مرحله خودآگاهی می‌رسد و سپس به جهان آگاهی و در نهایت به خداآگاهی منتهی می‌شود» (شمشیری، ۱۳۸۵: ۲۸۸).

سنایی در مقام شاعر عارف، از اندرزهای اخلاقی، اجتماعی و سیاسی گام فراتر نهاده و تحقق اهداف متعالی انسان را در سیروسلوک باطنی و روحی جسته است، در تعریفی دیگر، تربیت عرفانی عبارت است از: «زمینه‌سازی برای تعالی بخشی و شکوفاسازی نیازها و ظرفیت‌های معنوی متری در چهارچوب شریعت و آماده‌سازی وی برای پیمودن مراحل سیروسلوک و شهود حق نیست» (موسوی-نسب، ۱۳۹۳: ۲۳). تربیت در عرف و سنت به شیوه پند و اندرز، مسائل اخلاقی و هنجارهای اجتماعی را سرلوحه اهداف خود قرار می‌دهد. در آثار سنایی نیز تربیت عرفانی و تعلیم و تربیت صرف که جنبه ارشاد و راهنمایی و سعادت انسان و در نهایت خداشناسی است وجود دارد «یکی از اهداف نهایی تربیت در تمثیل «وصل و فناء فی الله است» (شمشیری و نقیب‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۲). پرورش روحیه اجتماعی را از دیگر اهداف تربیتی در تمثیل شمرده‌اند: «تربیت عرفانی می‌تواند در افزایش دو حس سازنده اجتماعات انسانی و ارتباط افراد یعنی حس مشارکت و حس ایثار و گذشت نقش ممتازی را ایفا کند» (سویزی، ۱۳۸۹: ۵). تعلیم و تربیت در حدیقه از مسائلی است که سنایی برای ارشاد و راهنمایی بشر مد نظر دارد و همواره سعی دارد با حکایت‌هایی تمثیل گونه راه سعادت و خوشبختی بشر را هموار تر سازد. سنایی سعی دارد تعلیم و تربیت خود را چه از نوع اجتماع و چه از دیدگاه عرفان به بشر ارائه دهد. اما مهم‌ترین کارکرد تربیت عرفانی این است که باعث رحمانی شدن ارتباطات، نفی خشونت، انهدام فزون‌طلبی، تعاون و همکاری، ترویج معروفات، افزایش حس همدلی و تعاون و از همه مهم‌تر، باعث استقرار فرد و جامعه روی خط کرامت می‌شود و منیت متری سالک، ناچیز و حقیر می‌گردد (بهشتی و ناظر حسین‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۰۵). دستیابی به عشق، از دیگر اهداف

تربیت عرفانی شناخته می‌شود. «یکی از ویژگی‌های عرفا، پرستش خداوند به دلیل عشق به او، نه به دلیل طمع بهشت یا ترس از آتش جهنم است» (یثربی، ۱۳۶۶ الف: ۲۸). این مقاله با بررسی کردن تمثیل «گبر و مرغ» سنایی، ضمن پرداختن به نکات آن پند و نصیحت آن را بر می‌شمارد، برای این کار نخست خلاصه داستان را ذکر می‌کنیم، تمثیل منظوم آن را می‌آورم و ابیات را بررسی می‌کنیم. هدف از بررسی این تمثیل پرداختن به تعلیم و تربیت صرف می‌باشد.

۲-۱- خلاصه تمثیل «گبر و مرغ» حدیقه سنایی

مرغی از دست گبری روزی یافت. پس مسلمانی به گبر گفت: اگر چه مرغان دانه برچینند ولی این مکرمت (در درگاه خداوند) از تو پذیرفته نیست. گبر گفت: درست است اما هرچه باشد او رنج مرا می‌بیند. برای اینکه حق مکرم است و کرم و بخل را یکسان نداند (سنایی غزنوی، ۱۳۷۴: ۱۰۷) در اینجا ناگزیریم که ابیات آن تمثیل و حکایت رو ذکر کنیم و بعد به تحلیل آن از دیدگاه تعلیم و تربیت و پند و نصیحت پردازیم.

آن بنشینده‌ای که بی‌نم ابر مرغ روزی بیافت از در گبر
گبر را گفت پس مسلمانی زین هنرپیشه‌ای سخن دانی
کز تو این مکرمت بنپذیرند مرغان گرچه دانه برگیرند
گبر گفت ار مرا بگزیند آخر این رنج من همی بیند
زانکه او مکرمست و با احسان نکند بخل با کرم یکسان
دست در باخت در رهش جعفر داد ایزد به جای دستش پر
داد به فعل و فضول خلق مبد دل در او بند رستی از غم و بند
کار تو جز خدای نگشاید به خدای ار ز خلق هیچ آید
تا توانی جز او به یار مگیر خلق را هیچ در شمار مگیر
خلق را هیچ تکیه‌گاه مساز جز به درگاه او پناه مساز

کین همه تکیه جایها هوس است تکیه‌گه رحمت خدای بس است
تا بقای شماس است نان شماس است الف آلائی او و جان شماس است
هر دو را در جهان عشق و طلب پارسی باب‌دان و تازی آب
چون نداری خبر ز راه نیاز در حجابی بسان مغز پیاز
تا جدایی ز نور موسی تو روز کوری چو مرغ عیسی تو
اول از بهر عشق دل جویش سر قدم کن چو کلک و می جویش
تا بدانجا رسی بچست درست که بدانی که می نباید جست
(حدیقه، مدرس رضوی، ۱۳۷۴: ۱۴۸).

سنایی از ذکر این تمثیل تلاش دارد که به آدمی یادآوری کند که خوبی هیچ گاه از نظر خداوند دور نخواهد ماند و خوب بودن و خوب ماندن و خوبی کردن از هر کسی سر بزند ارزشمند است و می‌کوشد معیار خیلی از سنجش‌های بشری برای پاداش دنیایی یا اخروی باشد. سنایی یا ذکر این تمثیل یاد آور می‌شود که خوب باشیم، خوبی کردن چه هزینه داشته باشد و چه نداشته باشد از هر جهت ارزشمند و مفید است و نصیب آرامش و آسایش روحی و فکری آن اسنان خوب است.

تمثیل حدیقه که در کل، شکل سوال و جواب دارد. انسان را به انجام کارهای نیک و اعمال خیر تشویق می‌کند و می‌گوید خداوند در جزای عمل خیر کوتاهی نمی‌کند و در هر عقیده و مسلک که باشی به پاداش عمل نیک خواهی رسید. همانطور که گبر با دانه دادن به مرغان در انتظار روزی و امیدوار به پاداش خداوند است.

نیکی کردن پس اندازی است که نگهدارنده آن به جا و وقت مناسب سود آن که خیر و نیکی است را در اختیار تو قرار می‌دهد. به هر حال نیکی کردن هر چند برای فاعل آن آرامش به همراه دارد در کل یک عمل دو سر برد است هم آرامش می‌آورد و هم به موقع و وقت مناسب خیر آن عمل به آدمی می‌رسد.

اما عطار نیز در مصیبت نامه اش نیز این تمثیل را آورده است؛ «یک روز برفی که صحرا پر از برف شده بود، ذوالنون به دشت رفت. گبری دید که یک دامن ارزن در دست دارد و برف را پاک می کند و بر زمین می پاشد. ذوالنون گفت: چرا این کار را می کنی؟ گفت: جهان در برف ناپدید شده است و دانه مرغان پیدا نیست. من برای مرغان دانه می ریزم تا مگر خدا بر من رحمت آرد. ذوالنون گفت: از تو بیگانه ای پذیرفته نیست. گبر گفت: اگر پذیرفته نشود، خدا (عمل مرا) می بیند؟ ذوالنون گفت: آری. گبر گفت: همین مرا کافی است. پس از یک سال که ذوالنون به حج رفت، گبر را دید که عاشق آسا به طواف مشغول است. گبر به وی گفت: ای ذوالنون چرا گزاف گفتی؟ او دید و پذیرفت! ذوالنون دگرگون شد و گفت: خدایا ارزان می فروشی، تو گناه چهل ساله گبر را به مثنی ارزن بخشیدی. هاتف غیبی ندا در داد که: راندن و به خود خواندن حق بی علت است. (عطار، ۱۳۷۳: ۱۱۸). در تذکره الاولیا این داستان منسوب به ذوالنون مصری است.

۲-۲- بررسی تمثیل «گبر و مرغ» حدیقه سنایی

تمثیل «مرغ و گبر» سنایی در باب رزق و روزی آمده است و تأکید بر رزاقی خداوند دارد. جایی که گبر به مرغ دانه می دهد از جانب خداست. اما نتیجه ای که شاعر می گیرد این است خداوند جزای عمل را فراموش نمی کند، حتی از یک گبر و بی ایمان: زانکه او مُکر مست و با احسان نکند بخل را با کرم یکسان

مثالی که برای این مورد می آورد ماجرای جعفر طیار است که اگر چه دستش بریده شد به جای آن و از فضل و کرم پروردگار در بهشت به او پر عطا شد. و نیز می گوید: جز خدا نباید به کسی امیدوار بود و به سخنان یاوه سرایان نباید دل بست. فقط با عشق است که می توان در راه عشق گام برداشت و از حجاب ها رها شد تا به جایی رسید که قابل تصور نیست.

در مصیبت نامه عطار این تمثیل در خصوص کرم و احسان است و نتیجه ای که عطار از تمثیل می گیرد تأکید بر این دارد که خداوند در کار خود قصد و غرضی ندارد و کار او بی علت است. البته قصد و غرض نداشتن به معنی نداشتن هدف نیست بلکه نداشتن هیچ غرض و قصدی برای نفع شخصی است چرا که او بی نیاز است و سراسر فیض است و بدون علت می بخشد:

گر بخواندش نه به علت خواندش و براندش نه به علت راندش

بخشش بی حدّ و حساب خداوند که بارها در کتاب مبین نیز بدان اشاره فرموده، از همین بخشش او در کار گبر کاملاً هویداست که به مشتی ارزن آن چنان مقامی به او عطا می کند.

تمثیل حدیقه که در کل، شکل سوال و جواب دارد تقریباً عاری از عناصر داستان است. این تمثیل انسان را به انجام کارهای نیک و اعمال خیر تشویق می کند و می گوید خداوند در جزای عمل خیر کوتاهی نمی کند و در هر عقیده و مسلک که باشی به پاداش عمل نیک خواهی رسید. همانطور که گبر با دانه دادن به مرغان در انتظار روزی و امیدوار به پاداش خداوند است. اما این تمثیل را عطار نیز در مصیبت نامه اش ذکر کرده است هرچند تمثیل مصیبت نامه نسبت به حدیقه کامل تر آمده است و مفاهیم بیشتری در بر دارد. عطار در مورد این واقعیت که کار خدا بی علت نیست، با سنایی هم عقیده است اما غیر از این نتیجه، عطار تاکید بر نکات دیگری نیز دارد. مثلاً او معتقد است که آدمی نباید به طاعت و اعمال خود مغرور شود چرا که پایان کار هیچ کس معلوم نیست. ذوالنون که در این تمثیل به طاعت خود غرّه شده است و گبر را به چشم حقارت می نگرد تا جایی که به او طعنه می زند که حق تعالی احسان تو را قبول نمی کند اما می بینیم که در پایان کار، گبر قبل از ذوالنون با شکوهی دل انگیز و عارفانه در طواف است و خداوند منان گرم او را چندین برابر پاداش داده است.

تمثیل عطار، سراسر مبتنی بر گفتار است. از شاخص های مهم داستان نویسی وی در این تمثیل، آوردن دو قهرمان ضدّ و نقیض یعنی ذوالنون و گبر است که یکی در اوج ایمان و تقرب و دیگری در حسیض غفلت و بی ایمانی. شگفت اینکه در نهایت امر پیروز میدان مرد گبر است که به بهانه ای (بدون علت)، مجذوب درگاه ربوبی می گردد و اگر علتی هم در میان باشد و عملی که لازمه ی بخشش گناهان چندین ساله و نیز مورد لطف حق قرار گرفتن باشد بهایی نیست مگر پاشیدن ارزن به مرغان گرسنه؛ که گفته اند:

جنت به بها نمی دهی می دانم اما به بهانه می دهی می دانم

خداوند به هر کسی که بخواهد کرامت می بخشد و او را به سوی خود می خواند، انجام کار خوب و اخلاص در عمل می تواند انسان را به بزرگی برساند، کافی است نیت بی ریا و پاک باشد، خداوند پاک پاکی ها را می بیند.

«باری این مورد لطف واقع شدن گبر، سبب تشویق آدمی در انجام کار نیک می شود و قصد و هدف تمثیل نیز همین است. جدل لفظی که میان ذوالنون و گبر صورت می گیرد با حادثه عجیب و باور نکردنی ذوالنون و گبر در طواف اوج می گیرد. پس با پاسخ هاتف غیبی به ذوالنون گره از کار و معماً

باز می شود و همین موضوع آمدن هاتف به عنوان یک شخصیت در تمثیل، بدان یک حالت خارق العاده می دهد که باعث می شود حقیقت ماندی تمثیل خدشه دار شود. هر چند واقع شدن چنین امری از نظر مبانی اعتقادی ما کاری ناممکن نیست اما چون پای کرامت در میان آید، قبول آن بر همگان ممکن و میسر می گردد» (سیدی وفایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۶).

شاعران برای مجسم کردن آن چه خود در می آیند و کشف می کنند از روش تمثیل استفاده می کنند زیرا این تجسم سبب می شود مفاهیم عرفانی راحت تر درک شود و در واقع تمثیل به موضوع جنبه عینیت می بخشد.

برومند سعید با استناد به شعر صوفیه، زبان آنان را «زبان بی زبانان» یا «زبان بی زبانی» نامیده است و اعتقاد دارد که صوفیان به دو دلیل این زبان را برگزیده اند اول این که اسرار عرفانی در زبان معمولی نمی گنجد، دوم این که از ترس جانشان جرأت نداشتند رازشان را بر زبان آورند. (برومند سعید، ۱۳۷۰: ۵۴)

۲-۳- تحلیل داستان گبر و مرغ در حدیقه سنایی

آن بنشیده ای که بی نم ابر مرغ روزی بیافت از در گبر
(سنایی، همان، ۱۴۸)

این تمثیل، هم به مانند تمثیل های دیگر از زبان سوم شخص سروده شده است و اشاره ای هم دارد به خورشید پشت ابر و بدون ابر باران باریدن و آب جاری شدن که به عنوان یک کرامت در ادبیات فارسی سابقه دارد. تمثیل با سوال آغاز می گردد که آیا شنیده ای که مرغ از دست گبر روزی دریافت کرد، در واقع رزق خداوند مقسوم است و خداوند به هر طریق روزی بندگان را می رساند هم برای شیر درنده و هم برای روباه دغل و در واقع «هر آنکس که دندان دهد نان دهد». خداوند در همه حال روزی رسان است اما این دلیل نمی شود که ما آدمیان و حتی پرندگان و درندگان در پی روزی نباشیم که از تو حرکت از خدا برکت، برکت و رزق و روزی در قدم زدن در راه نهاده شده است. رزق و روزی کافر و مسلمان و عابد و غیر عابد ندارد و خداوند براساس توان، گنجایش و ظرفیت به آدمی روزی و رزق می دهد که باید شاکر آن باشیم که «شکر نعمت، نعمت افزون کند».

گیر را گفت پس مسلمانان زین هنر پیشه‌ای سخن دانی
 کز تو این مکرمت نپذیرند مرغکان گرچه دانه بگیرند
 (سنایی، همان)

عمل نیک و خالص مسلمان و غیر مسلمان ندارد، کار خوب در هر دین و مسلکی پذیرفته است، پشت سر انسان خوب همیشه دعای خیر است، انسان کافری در بیابان چاه حفر می‌کند، همه از آب گوارای آن چاه تناول می‌کنند و خدا قوت و خدا خیری به کننده چاه می‌گویند، بدون اینکه بدانند صاحب چاه گیر باشد پس این عمل خیر است که باقی الصالحات است.

گیر گفت ار مرا بگزیند آخر این رنج من همی بیند
 زانکه او مکرمت و با احسان نکند بخل با کرم یکسان
 (همان)

در ادامه تمثیل که به صورت سوال و جواب و مکالمه مطرح شده است گیر پاسخ می‌دهد که به هر حال خدای متعال نیز رنج و زحمت مرا خواهد دید چرا که خداوند کریم و با احسان و بخشنده است و با بخیلی رابطه‌ای ندارد و نه گیر با استفاده از این به دیگران کرم، احسان و بخشش می‌کنم که و در دجله می‌اندازم تا روزی ایزد در بیابان جواب آن احسان و لطف در حق بنده‌ها و افراد ضعیف‌تر را بدهد که؛

«تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت نهد باز»

نیکی کردن و محبت به دیگری یکی از آموزه‌های مهم است که در ادبیات فارسی بارها بدان پرداخته شده است.

دست در باخت در رهش جعفر داد ایزد به جای دستش پر
 داد به فعل و فضول خلق میند دل در او بند رستی از غم و بند
 (همانجا)

به راستی روزی رسان خداوند است و آنکس که باید تو را به مرتبه و مرتباتی برساند حتماً تو را خواهد دید پس باید راه توکل پیشه گیری و به خار و خاشاک توجه نکنی، دل را آینه گردانی تا صفا یابی و در نظر آیی، هر چند خدا در دل های شکسته است اما سکوت و راضی به رضای خداوند و صبر و آرامش خیلی از مشکلات را حل خواهد کرد.

کار تو جز خدای نگشاید به خدای ار ز خلق هیچ آید
تا توانی جز او به یار مگیر خلق را هیچ در شمار مگیر
(همان پیشین)

یکی از ویژگی های تمثیل این است که در قالب داستان های کوتاه شیرین، مسائل تربیتی، اخلاقی، اجتماعی زیادی مطرح می شود و چون ابیات شیرین است هم به عنوان ضرب المثل ملکه ذهن می شود و به کار می رود و هم کار این آن افزودن می گردد چرا که تأثیر شعر بیشتر از نثر است و تأثیر پند و نصیحت دادن و تربیت کردن دیگران با زبان شعر، آن هم اشعار ساده کارایی بیشتری دارد، سنایی چون معلمی و پدری آگاه و دلسوز خلق بشر را نصیحت می کند که انسان ها باید توکل داشته باشند و امورات خود را فقط از خداوند بخواهند اگر برآورده شد که شخص به نیت خود رسیده است و اگر اجابت نگشت حتماً خیری در آن بوده است که بندگان از آن بی خبر هستند.

خلق را هیچ تکیه گاه مساز جز به درگاه او پناه مساز
(همان)

تا وقتی که می دانی روزی دهنده و پادشاه دو عالم خداوند است؛ پس به غیر از خداوند روی نیاور، خداوند است که از درد دل بنده اش خبر دارد و ما بندگان نیز با خلوص نیت باید روی نیازش را به سمت خداوند بیاورد و تنها از او مدد جوید و بس. سنایی در این بیت نیز به نکته ی ظریف تربیتی اشاره می کند که خلق ارزش تکیه کردن ندارد، پس باید به درگاه او روی آورد، دل بستن به غیر از خدا، هر کس که باشد ارزش ندارد.

کین همه تکیه جایها هوس است تکیه گاه رحمت خدای بس است
(همان، همانجا)

تکیه کردن به دیگران در زندگی برای امیال دنیایی، هوس بازی است و ارزش معنوی چندانی ندارد، پس آدمی باید به آن محبوب ازلی و ابدی تکیه کند که وجود دائمی‌اش سراسر رحمت است، خداوند قادر متعال می‌داند در چه مرحله‌ای آدمی را متنبه کند یا به آن پاداش دهد، پاداش خداوند به علت مراقبت‌هایی است که در زندگی داریم مبارزه با نفس و هوا و هوس ستوده است، و انسان باید به جای تکیه بر نفسانیات بر معنویات تکیه بزند.

تا بقای شماست نان شماست الف آلائی او و جان شماست
 هردو را در جهان عشق و طلب پارسی باب‌دان و تازی آب
 چون نداری خبر ز راه نیاز در حجابی بسان مغز پیاز
 تا جدایی ز نور موسی تو روز کوری چو مرغ عیسی تو
 (همانجا)

خداوند در همه حال و در همه امور پشتیبان و نگهبان ماست، او از رگ گردن هم به ما نزدیک‌تر است، چه ما بدی کنیم و چه خوبی او رزق و روزی خود را از ما دریغ نمی‌کند ولی ما انسان‌ها قدردان این خدای بی‌همتای بی‌مثل و مانند نیستیم، یگانه‌ای است که رزق را بنابر مصلحت فرد و تشخیص خود در اختیار بنده‌ها قرار می‌دهد و نیازهای آن‌ها را عاشقانه برآورده می‌کند اما ما قدردان این نعمت‌ها نیستیم هر چند نمی‌توانیم شکرگزار گوشه‌ای از محبت‌های بی‌کران او باشیم. وقتی نور هدایت به دل انسان‌ها بتپد، برای معارف حق سراسر گوش و جان می‌شوند اما در دل بی‌خبران، خبر از عالم عشق نیست.

سنایی در این تمثیل، با زبانی ساده پس از ذکر نکات تربیتی، اخلاقی و حکمی در دل علاقه‌مندان، در نهایت در پایان بعدی داستان نکات عرفانی را نیز مطرح می‌کند و اساساً شگرد و کارکرد تمثیل هم همین است که سراینده عارف با مقدمه‌چینی در قالب حکایت و تمثیل، نکات ظریف پند و تعلیم را زیرکانه بیان می‌دارد و بعد خواسته‌های خود را که به نوعی سعادت اخروی انسان‌هاست بیان می‌دارد، سنایی در این تمثیل علاوه بر حکایت نگاری جالب که ساختار داستان‌گونه دارد از شگرد سوال و جواب استفاده می‌کند و در ادامه ابیاتی می‌آورد که سراسر تعلیم و پند و نصایح است و در نهایت به این جمع‌بندی می‌رسد که سعادت آدمی در گرو پرسش بی‌غل و غش ذات احدیت است، که خدا

یکی است که تنها با اتکای آن به سعادت راستین می‌رسیم و تمام نگرش‌ها و کوتاه راه‌ها به بن‌بست می‌خورد پس باید در این راه با توسل به ذات خودش از او مدد گرفت تا به کمال برسیم و پخته گردیم، کسی که هنوز در امور به ذات پاک حضرت احدیت توسل نمی‌جوید خام است و در آینده‌ای دیر یا نزدیک با دمای خشم و شهوت و باد آزار او را با خود خواهد برد و در گردباد هلاکت و نابودی محو می‌شود، پس بهتر است که انسان هر چند وقت خانه‌تکانی کند، گردو خاک مادیات را از تن پاک کند به معنویت روی آورد که آخر شهوت نابودی محض است. پس می‌بایست؛

اول از بهر عشق دل جویش سر قدم کن چو کلک و می جویش
تا بدانجا رسی بچست درست که بدانی که می نباید جست
(همان)

ای انسان غافل از راه، اگر می‌خواهی خداوند را بجویی تمام عشق و صفا باش، خداوند هم عاشق است و هم معشوق، عاشق از آن جهت است که انسان‌ها را دوست دارد و معشوق از آن جهت است که ما انسان‌ها به او عشق می‌ورزیم و در واقع عشق است که ما را به سمت حضرت حق سوق می‌دهد و هرگاه در عشق خالص باشی خداوند به جای دست به شما پر می‌دهد؛
دست در باخت در رهش جعفر داد ایزد به جای دستش پر
(همانجا)

فدا کردن در راه خداوند و انفاق مال و جان سبب چند برابر شدن رزق و روزی می‌شود، خداوند استاد انفاق و بذل و بخشش است تو در من در راهش بریز تا کیسه‌های سدره برایت خرج کند. از نکات دیگری که این حکایت را جالب و خواندنی کرده است، علاوه بر احسان و کرامت و بخشنده‌گی، به توکل و یکدل شدن با خداوند می‌توان اشاره کرد. این تمثیل به ما سفارش می‌کند که از بند تعلقات رهایی یابیم، و تمام نیازهای مادی و معنوی خود را فقط از خدا جویم و بس؛
از خدا جویم توفیق ادب بی‌ادب محروم شد از لطف رب
(همانجا)

هرگاه با ادب شویم از بند تمام ناملایمات می‌رهیم، از هوا و هوس روی گردان می‌شویم و غرق در معنویات می‌شویم پس ما باید اول در زندگی فردی مطیع و بخشنده در راه حق باشیم، دوم دل به غیر از خدا نبندیم، سوم از هوا و هوس روی گردانیم و چهارم عاشقانه خداوند را عبادت کنیم.

تمثیل به عنوان یکی از گونه‌های ادبی که در ادبیات فارسی مسبوق به سابقه است مخاطبان فراوانی در گذشته و حال داشته است، بزرگان ادبیات فارسی بسیار هوشمندانه این شیوه هنری را برای بیان اندیشه‌های خود برگزیده‌اند تا ضمن جذاب کردن اثر و جذب مخاطب بتوانند به اهداف خود که تعالی انسان مادی غرق در تعصبات و عقاید پوچ هوس بازانه است را به سوی زندگی بهتر و مدینه‌ای به دور از دغدغه و غم و غصه و اضطراب و دو رویی و نیرنگ و فساد سوق دهد. تمثیل و محتوای آن هم در گذشته و هم در حال می‌تواند تأثیر مستقیم خود را بر روی مخاطب بگذارد و مخاطب را به یک زندگی سالم وصل کند، چه بسا گاهی، حرفی، نکته‌ای و پند و نصیحتی در دلی آتش عشق روشن کند و سبب بی‌خودی و بی‌خبری از خود را پدید آورد. تمثیل هر چه هست امروزه نیز کارایی خود را از دست نداده است و گویی روح انسان‌ها به شنیدن تمثیل‌ها علاقه دارد هر چند آن اسنان غرق در مشکلات، تنگی معیشت و ... باشد. ما انسان‌ها هیچ‌گاه از نصیحت و پند و اندرز پر نمی‌شویم و همچنان علاقه به آموزش و آموختن داریم.

تمثیل از رایج‌ترین شیوه‌های بسط اندیشه و تبیین هدف و مقصود غایی گوینده یا نویسنده است که با استفاده از این روش برای واضح نمودن موضوع، قانع کردن شنونده یا درک بهتر مفاهیم اخلاقی و عرفانی از یک یا چند مثال یا حکایت کوتاه بهره می‌گیرد. مضامین حکایت‌های تمثیلی غالباً مضامین عرفانی یا اخلاقی است و در مواردی اندک هم طرح مسائل سیاسی است که شاعر در زمان خود جرأت بیان مستقیم نداشته است.

با توجه به اینکه تعلیم و تربیت رهروان طریقت در سرلوحه متون عرفانی قرار دارد، مبانی و روش تربیت عرفانی در آن‌ها دارای طرح هدفمندی است. از سویی، حقیقه سنایی نخستین اثر مفصل، منظوم و نظام‌مندی است که آموزه‌ها و روش‌های تربیتی در آن بازتاب دارد. همه تمثیلات عرفانی نیستند به این معنا که تمثیلاتی هم هستند که تأکید بر یک نتیجه اخلاقی یا اجتماعی دارد. البته بی‌ارتباط با عرفان نیست. ولی بیشتر گویای مفهوم اخلاقی یا اجتماعی است. در تمثیلات گاهی شاعر یک نتیجه عرفانی می‌گیرد، یک نتیجه اخلاقی نیز قابل درک است. گاهی هم کلاً نتیجه حال عرفانی یا اخلاقی وجود دارد. با اینکه در تمثیلات کرامات هم دیده می‌شود ولی اعمال بصورت خارق العاده نیست.

مضمون و محتوای هر تمثیل را می توان از ابیات پایانی تمثیل ماقبل فهمید. روایت تمامی تمثیلات از زاویه دید بیرونی، عبارتی از زبان سوم شخص است.

هدف معین تعلیم در تصوف و عرفان، تربیت انسان و رساندن او به کمال مطلوب است. در این سازوکار، روش های متعددی در سلوک عملی آزموده شده و حدیقه نیز مانند سایر متون عرفانی، بسیاری از آن ها را بازتاب داده است. مطالعه داستان «مرغ و گبر» نشان می دهد تعلیم و آموزش عرفانی بر اصولی خدامحور استوار است که در بستر مقامات و منازل شکوفا می شود و به انحلال فردیت می انجامد و در نهایت سالک را به معرفت حقیقت و شهود حق نائل می سازد. دستیابی به این اهداف تربیتی در عرفان، با خودسازی فرد محور و دیگرسازی مرید پرورانه به دست می آید.

۳- نتیجه گیری

تمثیل یکی از تکنیک هایی است که سنایی غزنوی برای جلب مخاطب بیشتر و پر تأثیر کردن اندیشه هایش از آن بهره می گیرد، اساساً استفاده از حکایت و روایت در بیان مطالب و به بار نشستن آن توسط بعضی از شاعران ایران مسبوق به سابقه است که سنایی غزنوی از سرآمدان این گونه هنرنمای است.

در واقع تمثیل سبب می شود که تأثیر و جذب مطالب سنگین و پر تأمل عرفانی برای مخاطب بیشتر شود و مخاطب در فهمیدن و درک مطالب و مسائل تربیتی و عرفانی کمتر به زحمت بیفتد و این از آن جهت که شاعر مخاطبان بیشتری را جذب می کند و هم اینکه مطالب و اندیشه اش به بار می نشیند برای شاعر تمثیل گوی مهم است و شاید یکی از دلایل روی آوردن شاعران به تمثیل همین موضوع باشد.

سنایی غزنوی با ذکر تمثیل «مرغ و گبر» می خواهد به ما یادآوری کند که اخلاص در عمل داشته باشیم و کاری را که انجام می دهیم برای رضای خداوند و به دور از هرگونه ریاکاری و تظاهر باشد. خداوند حرکات تمام آفریده هایش را تحت نظر دارد و هر گس عمل خیر خالصی انجام دهد که مورد مقبولیت حضرت حق واقع شود سای آن عمل را خواهد دید و مهم نیست که کار خوب و فعل خوب از ناحیه چه کسی سر می زند، چه شخص گبر باشد و چه مسلمان و بلکه مهم عمل است که باید با اخلاص و برای رضای خداوند باشد. پس بهتر است که انسان خاکی غرق در گناه، غرور را کنار گذاشته، خود و عمل خود را هیچ بداند و با زاری و تضرع و اخلاص امیدوار به تائید از درگاه خداوند باشد که حضرت دوست او را خواهد دید و به او جزای خیر عطا کرده و او را بدون رنگ و

مذهب در زمره دوستان خود قرار می دهد که سرانجام سعادت و خوشبختی انسان ها مقبولیت در درگاه حضرت حق است.

منابع و مأخذ:

الف- کتاب

- برومند سعید، محمد جواد (۱۳۷۰) زبان تصوف، تهران، پازنگ
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵) رمز و داستان های رمزی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- داد، سیما (۱۳۸۵)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۱) امثال و حکم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- رضوی مدرس، (۱۳۴۹) تعلیقات حدیقه الحقیقه، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- سنایی، غزنوی، مجدودبن آدم. (۱۳۵۹)، حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴)، بیان و معانی، تهران: فردوسی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۰) صور خیال در شعر فارسی، تهران، انتشارات آگاه.
- عطار، فریدون محمد بن ابراهیم نیشابوری (۱۳۹۲) مصیبت نامه، تهران، سخن.
- فتوحی، محمود، (۱۳۹۳)، بلاغت تصویر، چ سوم، تهران: سخن.
- فتوحی، محمود و محمدخانی، علی اصغر (۱۳۸۵)، شوریده ای در غزنه، تهران: سخن.
- همایی، جلال الدین (۱۳۷۷)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، قم، نشر نما.
- ※معین، محمد (۱۳۵۷). فرهنگ فارسی، ۶ جلد، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
- یثربی، سیدیحیی (۱۳۶۶ الف)، سیر تکاملی و اصول و مسائل عرفان و تصوف، تبریز: دانشگاه تبریز
- ب- مقالات

برادران، شکوه، بررسی جنبه ها و جلوه های تمثیل در اشعار خاقانی، فصل نامه زیبا شناسی ادبی، سال ۱۳، شماره ۲۹.

شمشیری، بابک و نقیب زاده، عبدالحسین (۱۳۸۴)، «فرایند تعلیم و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی»، دوماهنامه دانشور رفتار، سال دوازدهم، شماره ۱۲، ۷۴-۸۹.

صرفی، محمدرضا و اسفندیاری، مهسا (۱۳۹۰)، «شعر تعلیمی در منظومه های عطار»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۰۳-۱۲۶.

علی مددی، منا (۱۳۹۴)، «تبارشناسی ادبیات تعلیمی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۲۵، ۱۱۷-۱۴۶.

فرخ‌نیا، مهین‌دخت (۱۳۸۹)، «ساختار داستانی حکایت‌ها در حدیقه سنایی»، کاوش‌نامه، سال یازدهم، شماره ۲۱، ۴۲-۲۰.

موسوی‌نسب، سیدمحمدرضا (۱۳۹۳)، «اهداف، اصول و روش‌های تربیت عرفانی»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ششم، شماره ۲ (پیاپی ۱۲)، ۱۹-۳۶.

یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۱۱، ۱۷۸-۱۵۳.

ج- پایان نامه ها

سیدی وفایی و دیگران (۱۳۸۹) بررسی تطبیقی نگرش مولانا، عطار و سنایی در عالم تمثیل، پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر، دانشجو جلیل کریمپور خامنه.

